

خوانش تطبیقی "حی بن یقظان" و "رابینسون کروزوئه"

صابره سیاوشی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۲۷

لیلا جدیدی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱۲

چکیده

این نوشتار به مقایسه داستان‌های «حی بن یقظان» و «رابینسون کروزوئه» می‌پردازد تا از این طریق تأثیر یا عدم تأثیر دفو از داستان *ابن طفیل* مشخص شود، از این رو ابتدا جنبه محتوایی آن بر اساس بررسی موضوع و درونمایه تحلیل می‌شود؛ سپس جنبه ساختاری آن با تکیه بر پی‌رنگ، شخصیت، زاویه دید، صحنه (زمان و مکان) و پایان‌بندی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و در نهایت شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و محتوایی داستان دفو و *ابن طفیل* ذکر می‌گردد. یافته‌های پژوهش حاضر گویای این واقعیت است که این دو داستان در ساختار و محتوا به هم شبیه هستند. این شباهت در جنبه‌های ساختاری، بیش‌تر از ابعاد محتوایی است.

کلیدواژگان: مقایسه تطبیقی، تحلیل محتوایی، تحلیل ساختاری، حی بن یقظان، رابینسون کروزوئه.

*-استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی saberehsivashi@yahoo.com -

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

ترجمه آثار ادبی مسلمانان در اروپا که از سرزمین اندلس آغاز شد، موجب شناخت بیش‌تر فرهنگ و اندیشه اسلامی در آن دیار و سایر نقاط جهان شد و به دنبال آن نویسندگان اروپایی به مطالعه و اقتباس بعضی جنبه‌های این آثار پرداختند. در سال‌های اخیر به مدد ظهور دانشی به نام ادبیات تطبیقی، مسأله تأثیر و تأثر ادیبان غربی از آثار ادبی مسلمانان، مرکز توجه بسیاری از پژوهشگران گردید و آثار خیل عظیمی از نویسندگان اروپایی در این حوزه، مورد کنکاش قرار گرفت. از جمله این نویسندگان، *دانیل دفو* است که به نظر می‌رسد در داستان «رابینسون کروزوئه» تا حدودی متأثر از ادیب و فیلسوف اندلسی *ابن طفیل* بوده و داستان «حی بن یقظان» وی را در برخی جنبه‌ها الگوی خویش قرار داده است. این مقاله درصدد است وجوه تشابه و تمایز این دو اثر را بیان کند تا از این طریق اثرپذیری یا عدم تأثر *دفو* از *ابن طفیل* مشخص شود.

روش کار و سؤالات اصلی

در این مقاله سعی بر آن است تا حوادث و رویدادهای دو داستان با شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی شود. به این صورت که محتوای آن‌ها بیان شده و هم‌زمان، هدف دو نویسنده از نوشتن داستان‌های‌شان تبیین می‌گردد. سپس عناصر تشکیل‌دهنده متن داستان‌ها مورد سنجش و تحلیل قرار می‌گیرد. عناصر مورد تمرکز در این جستار عبارت‌اند از موضوع و درونمایه، پی‌رنگ، شخصیت، صحنه (زمان و مکان) و پایان‌بندی. در این نوشتار می‌کوشیم وجوه تمایز و تشابه داستان «حی بن یقظان» اثر *ابن طفیل* و «رابینسون کروزوئه» اثر *دانیل دفو* را مورد بحث قرار دهیم و پاسخ پرسش‌های زیر را بیابیم:

۱. اهداف دو نویسنده از نگارش داستان‌های‌شان چه بوده است؟
۲. جنبه‌های محتوایی و ساختاری در دو داستان کدام است؟
۳. نقاط اشتراک و اختلاف این دو داستان در چیست؟

پیشینه پژوهش

داستان‌های «رابینسون کروزوئه» اثر *دانیل دفو* و «حی بن یقظان» از *ابن طفیل اندلسی* پیش از این، به صورت جداگانه از جنبه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما تا کنون به صورت تطبیقی و از دو جنبه ساختاری و محتوایی به آن‌ها پرداخته نشده است. برخی کتاب‌ها و مقالات چاپ شده در این زمینه عبارت‌اند از: ۱. «حی بن یقظان» اثر *فاروق سعد*: در این کتاب عناصر داستان *حی بن یقظان* تا حدودی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. «الفکر التربوی عند ابن طفیل» اثر *عبد الامیر شمس الدین*: این کتاب بیش‌تر جنبه فلسفی و تربیتی داستان *حی بن یقظان* را بررسی می‌کند و تحلیل ادبی در آن مشاهده نمی‌شود.

۳. «نگاهی دیگر بر رابینسون کروزوئه *دانیل دفو*» اثر *توماس / داف* ترجمه مهدی *افشار*؛ این کتاب به توصیف محتوای داستان پرداخته و آن را نقد می‌کند و بیش‌تر ویژگی‌های شخصیت‌های داستان را برمی‌شمارد.

۴. «*دانیل دفو*» اثر *جیمز ساذرنند*: نویسنده در این کتاب به معرفی و نقد آثار داستانی *دفو* می‌پردازد و نقد کوتاهی نیز درباره داستان *رابینسون کروزوئه* ارائه می‌دهد که بیش‌تر به توصیف شخصیت *رابینسون* اتمام می‌ورزد.

۵. مورد دیگر کتاب «مقاربات تطبیقیة فی الأدب المقارن» اثر *ماجد حمود* می‌باشد. نویسنده در این کتاب بعد از معرفی هر دو روایت، به مقایسه آن‌ها پرداخته و تا حدی شباهت‌ها و تفاوت‌ها را بیان می‌کند؛ کار او به توصیف شخصیت‌های اصلی دو داستان محدود است و درباره *پی‌رنگ*، *درونمایه*، *زاویه دید* و *صحنه (زمان و مکان)* سخنی به میان نیاورده است. شخصیت‌ها هم فقط توصیف شده‌اند و با رویکرد علمی، مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند.

۶. دکتر *عباس عرب* در مقاله‌ای با عنوان «تطبیق عناصر داستانی بر رساله *حی بن یقظان ابن طفیل*» به تحلیل عناصر داستانی رساله *حی بن یقظان* پرداخته است و به برخی از عناصر داستان هم‌چون *پی‌رنگ*، *درونمایه*، *شخصیت*، *زاویه دید*، *سبک*، *لحن*، *زبان* و *تکنیک اشاره* می‌کند که در قسمت *پی‌رنگ*، اجزای آن هم‌چون *گره‌افکنی*،

کشمکش، شک و انتظار، بحران، اوج و گره‌گشایی را کاملاً توضیح می‌دهد. همه عناصر یادشده به خوبی تبیین شده‌اند، اما تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر در این است که اگرچه در بخش پایانی خود، اشاره‌ای گذرا به شباهت *حی بن یقظان* و *ابن طفیل* دارد، اما کار تطبیقی به شمار نمی‌آید چراکه میان این دو اثر هیچ‌گونه سنجشی انجام نگرفته و فقط اثر *ابن طفیل* است که از سوی نویسنده تحلیل شده، و بررسی و تحلیل اثر *دفو* و مقایسه آن با رساله *ابن یقظان* در آن انجام نپذیرفته است. در برخی از کتاب‌ها نیز اشاره‌ای گذرا به تشابه داستان *دفو* با داستان *ابن طفیل* شده است که از جمله آن‌ها کتاب «فی الفلسفة الاسلامیة» اثر *ابراهیم مدکور*، و کتاب «نقش بر آب» دکتر *عبدالحسین زرین کوب* می‌باشد که این موارد نیز تنها در حد اشاره باقی مانده‌اند و در آن‌ها به هیچ یک از جنبه‌های ساختاری و محتوایی این دو داستان پرداخته نشده است. این مقاله ساختار و محتوا را در کنار هم بررسی می‌کند و سپس وجوه تشابه و تمایز را به صورت جداگانه بیان می‌کند در حالی که نویسندگان کتاب‌ها و مقاله مذکور چنین شیوه‌ای را به کار نگرفته‌اند.

نگاهی به زندگی ابن طفیل اندلسی و دانیل دفو

ابوبکر محمد بن عبد الملک بن طفیل القیسی در حدود سال ۱۱۱۰ م / ۵۰۶ق در غرناطه متولد شد. وی در طب و ریاضیات و فلسفه و شعر شهرت داشت و به کار طبابت پرداخت. او در سال ۱۱۸۵ م / ۵۸۱ق در مراکش وفات یافت. مورخان برای این اندیشمند بزرگ آثار بسیاری در فلسفه و طبیعیات و الهیات و امثال آن نقل کرده‌اند، اما چیزی از آثار او جز رساله «حی بن یقظان» به دست ما نرسیده است (نک: الفاخوری، ۱۳۷۷: ۶۱۴). «شواهدی که می‌توان از کتابنامه‌های متفاوت در مورد نوشته‌های وی که بیش‌تر آن‌ها مفقودند گردآورد همخوانی چندانی با یکدیگر ندارند» (سیدحسینی، ۱۳۸۵: ۵۳).

دانیل دفو نویسنده بزرگ انگلیسی در حدود سال ۱۶۶۰ م در لندن متولد شد. خانواده او از نظر عقاید مذهبی توافق چندانی با دیگر مردم انگلستان نداشتند. با این همه *دانیل* توانست در مدرسه‌ای مذهبی تحصیل کند. او مدت‌ها به کار سیاسی مشغول بود ولی کم‌کم از سیاست کناره گرفت و به ادبیات روی آورد (دفو، ۱۳۸۷: ۹). در سال ۱۷۱۹ نخستین رمان خود «ماجراهای عجیب و باورنکردنی رابینسون کروزوئه» را به چاپ

رساند. این داستان به لحاظ آنکه در آن تخیل شیرین و جذابی در تداعی زندگی یک انسان تنها در یک جزیره به چشم می‌خورد، معروف‌ترین داستان او به‌شمار می‌آید (کارلوت، ۱۳۶۹: ۵).

خلاصه داستان حی بن یقظان

داستان «حی بن یقظان» درباره فردی است که در جزیره‌ای فرضی به تکامل عقلی و روحی می‌رسد. در مورد ولادت وی دو قول وجود دارد: روایت اول این است که در یکی از جزائر هند از گلی مخمر متولد شده است و در روایت دوم/بن طفیل بیان می‌کند که خواهر پادشاه در جزیره‌ای پنهان از برادر خود با مردی ازدواج می‌کند و باردار می‌شود. این زن پس از تولد کودک از ترس برادر او را به دریا می‌اندازد و جریان آب کودک را به جزیره مقابل می‌برد (نک: فروزانفر، ۱۳۵۱: ۶-۷). کودک توسط ماده آهوئی تربیت می‌شود و پس از مدتی به مشاهده و مقایسه رویدادهای زندگی خود و استنتاج آن می‌پردازد و افکاری در ذهن وی نقش می‌بندد که به تدریج حکمت عملی‌اش را اصلاح می‌کند. در این راه فطرت به کمک او می‌آید و قابلیت شناخت را در وی می‌پروراند؛ میل به ادراک و فهمیدن نیز در این امر دخیل است (سیدحسینی، ۱۳۸۵: ۵۴).

او بعد از پنجاه سالگی وارد یک زندگی اجتماعی می‌شود؛ بدین صورت که در جزیره‌ای رو به روی جزیره‌ای که حی بن یقظان در آن می‌زیست، دو جوان اهل دانش به نام‌های ابسال و سلمان در میان مردمانی که موحد بودند می‌زیستند. ابسال بیش‌تر به باطن هر چیزی توجه داشت و گوشه نشینی و عزلت را اختیار می‌کرد. اما سلمان بیش‌تر به ظاهر دین پای‌بند بود و به تعمق در آن نمی‌پرداخت و طالب زندگی اجتماعی بود. ابسال برای عبادت و پرستش خدا به جزیره‌ای که حی در آن می‌زیست رفت و با او آشنا شد. حی نیز از زبان او آموخت پس از آن آموخته‌های خود را در اختیار ابسال قرار داد. هر دو به این نتیجه رسیدند که هیچ یک از نتایج و معارفی که وحی به آن رسیده است، خارج از شریعت نیست. آن دو برای اشاعه دین به جزیره مقابل می‌روند اما افسوس که مردم ظاهر بین تحمل پذیرش حقیقت را ندارد. از این رو به زندگی بی‌آلایش خود باز می‌گردند و به یکتاپرستی می‌پردازند تا اینکه به سعادت جاودانه دست می‌یابند.

خلاصه داستان رابینسون کروزوئه

در داستان دفو، رابینسون کروزوئه جوانی انگلیسی است که علاقه زیادی به دریانوردی دارد. او در سفرهای دریایی خود بارها گرفتار مشکلات می‌شود اما رؤیای دریانوردی او را رها نمی‌کند. در سن ۲۷ سالگی بار دیگر خود را به دریا می‌سپارد. در این سفر دریایی کشتی درهم می‌شکند و همه دوستان کروزوئه غرق می‌شوند. امواج او را به ساحل جزیره‌ای دورافتاده پرتاب می‌کند و او زندگی مستقلی را در جزیره آغاز می‌کند. بخش عمده کتاب به شرح حال وی در جزیره که ۲۷ سال به طول می‌انجامد اختصاص دارد. از جمله حوادث ناگواری که موجب تحول اعتقادی در او می‌شود دو حادثه ناگوار زلزله و بیماری است؛ از زلزله جان سالم به در می‌برد اما بعد دچار بیماری سختی می‌شود. رؤیایی وحشتناک موجب می‌شود که به رفتار گذشته خود بنگرد و جواب سؤالات خود درخصوص این همه گرفتاری را بیابد. جواب، اعمال ناشایست اوست. او در میان وسایل خود انجیلی را می‌یابد که قبلاً نسبت به خواندن آن علاقه‌ای نداشته است. به طور ناگهانی صفحه‌ای از آن را می‌گشاید که در آن نوشته شده: در روز سختی مرا بخوان و من رهایی خواهم داد و تو مرا ستایش خواهی نمود. از آن پس هر روز و هر شب به خواندن انجیل می‌پردازد و به درگاه خداوند توبه می‌کند. رابینسون مدت‌ها بعد صحنه وحشتناکی را مشاهده می‌کند. آدمخوارها دو اسیر می‌آورند که یکی را می‌کشند اما دیگری به سمت محل سکونت رابینسون می‌گریزد. کروزوئه او را نجات می‌دهد و او را جمعه می‌نامد. جمعه غلام او می‌شود و چون زبان یک‌دیگر را نمی‌فهمند رابینسون به آموزش او می‌پردازد و از او یک مؤمن مسیحی می‌سازد. سرانجام رابینسون بعد از ۲۷ سال با پشت سر گذاشتن سلسله حوادثی به وسیله یک کشتی انگلیسی جزیره را ترک می‌کند و به انگلستان باز می‌گردد.

تحلیل محتوایی و ساختاری دو داستان

در برخی کتاب‌ها اشاره‌ای گذرا به شباهت داستان «رابینسون کروزوئه» به قصه «حی من یقظان» شده است. عده‌ای این شباهت را می‌پذیرند و عده‌ای آن را رد می‌کنند. دکتر عبد/الأمیر شمس/الدین در کتاب «الفکر التربوی عند ابن طفیل» به وجود این شباهت

اشاره می‌کند (نک: شمس الدین، ۱۹۸۶: ۱۸). دکتر/براهیم مدکور در کتاب «فی الفلسفة الاسلامیة منهجه وتطبیقه» نیز این موضوع را عنوان می‌کند و معتقد است «رایینسون کروزوئه» نمونه‌ای از داستان «حی بن یقظان» است (مدکور، ۱۹۶۸: ۵۲). دکتر زرین‌کوب نیز شباهت «رایینسون» با «حی بن یقظان» را در برگشت او به مذهب می‌داند و در قیاس با محتوای فلسفی داستان «حی بن یقظان»، شباهتی میان آن دو قائل نیست (نک: زرین کوب، ۱۳۶۸: ۳۴۹).

دکتر سجادی شباهت قصه «حی بن یقظان» با «رایینسون کروزوئه» را منحصر به قسمت حیات مادی و شروع زندگی «ابن یقظان» در جزیره و شیوه تهیه مایحتاج روزانه و رفع مشکلات می‌داند و در بخش‌های فلسفی و کشف حقایق و شناخت الهی و سیر سلوک شباهتی میان دو اثر قائل نیست (سجادی، ۱۳۷۴: ۹۶).

دکتر پروینی نیز در کتاب «الأدب المقارن» به اقامت دو ساله دفو در وطن/ابن طفیل که اسپانیا است اشاره می‌کند و اثرپذیری دفو از/ابن طفیل را امری طبیعی برمی‌شمارد (پروینی، ۱۳۹۱: ۱۸۹).

فاروق سعد در کتاب «حی بن یقظان» به تاریخ نگارش داستان دفو اشاره می‌کند و می‌نویسد: «انیل دفو قصه خود را براساس ماجرای واقعی که در سال ۱۷۰۵م برای یک ملوان جوان به نام الکساندر سلکیرک اتفاق افتاد، نوشته است و ترجمه انگلیسی «حی بن یقظان»/ابن طفیل/اندلسی نیز در سال ۱۷۰۸م در لندن منتشر گردید و این در حالی است که قصه رایینسون ۱۱ سال پس از این تاریخ یعنی سال ۱۷۱۹م به رشته تحریر درآمد» (نک: سعد، ۱۹۷۴: ۴۳). با توجه به نظرات نویسندگان یادشده به نظر می‌رسد داستان «رایینسون کروزوئه» پیکره اصلی خویش را از «حی بن یقظان»/ابن طفیل گرفته باشد. به منظور تحلیل و پی بردن به صحت آراء منتقدان بالا، به سنجش هر دو داستان از دو جنبه محتوایی و ساختاری می‌پردازیم:

موضوع و درونمایه

هر داستانی موضوع خاصی دارد که همه داستان پیرامون آن گسترش می‌یابد و حوادث و شخصیت‌ها، آن را تداعی می‌کنند. «موضوع اندیشه کلی است که زیربنای

داستان یا شعر قرار می‌گیرد» (داد، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

«درونمایه را فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند. به همین جهت است که می‌گویند درونمایه هر اثری جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد». نوع درونمایه، بیانگر چگونگی تفکر و اندیشه نویسنده درباره موضوع است و در حقیقت جهان‌بینی نویسنده را به مخاطب القا می‌کند. درونمایه با موضوع تفاوت اساسی دارد. «درونمایه برخاسته از موضوع است که به پیشرفت و حرکت داستان کمک می‌کند» (همان: ۱۱۰) و در مجموع به معنی اصل درونی اثر داستانی است.

موضوع داستان‌ها

«حی بن یقظان» داستانی است با موضوعی فلسفی که نویسنده آن با شیوه‌ای ستودنی، ترکیبی مناسب از حکمت مشاء مغربی/بن باجه و روش اشراق به وجود می‌آورد (سیدحسینی، ۱۳۸۵: ۵۴). این داستان در واقع به لزوم معرفت خداوند و اندیشیدن به آفریده‌های او تأکید دارد و شیوه کار/بن طفیل در روایت داستان، تربیتی-آموزشی است. او می‌کوشد تا در قالب داستانی تمثیلی فطرت خداجوی انسان‌هایی که پروردگار خویش را به دست فراموشی سپرده‌اند بیدار کند، و تجلی الوهیت را به آنان نشان دهد و پلی میان دین و فلسفه بنا نماید تا از این طریق بعد روحانی هر شخص در جامعه نمود یابد. موضوع داستان دعو جدال برای کسب اقتدار و سیطره بر نیروهای انسانی و تسلط بر منابع طبیعی است، و این همان چیزی است که در جامعه نویسنده به وضوح دیده می‌شود؛ دعو با هدف اعتراض به نظام حاکم بر سرزمین خویش به کتابت این رمان می‌پردازد و در تلاش است تا برنامه پیشنهادی برای بهبود اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ارائه دهد.

درونمایه داستان حی بن یقظان

الف) درونمایه داستان/بن طفیل فلسفه اصالت عقل بشری است؛ این داستان تمثیلی، روایت سیر تکامل روحی و فردی انسانی ناموخته است که در سایه کشف و شهود،

مقایسه و استنتاج و با قوای عقل خود و به مدد استدلال به بالاترین مقام سیر و سلوک نائل می‌گردد، و واقعیت‌های غیرمادی از پس واقعیت‌های مادی بر وی آشکار می‌شود.

برای نمونه به طریقه استنتاج وی در پی بردن به وحدت گیاهان اشاره می‌کنیم:

دگر بار ابن یقظان رجوع به انواع گیاه و نبات کرده تفاوت و اختلاف هر کدام را تحت نظر و مطالعه درآورد. او می‌دید که بعضی از انواع نبات شبیه به بعضی دیگرند و آن‌ها از جهت شاخه‌دواندن و برگ‌دادن و شکوفه و میوه و دیگر چیزها به مانند هم می‌باشند، و نبات را با حیوان مقایسه نموده با هم می‌سنجید و می‌دانست که در نباتات هر چیزی یگانه و واحد موجود است که تمامی در آن مشترک‌اند و این چیز از برای نبات به مانند روح از برای حیوانات است و همگی نبات به سبب آن چیز با یکدیگر یگانه‌اند، و نیز به همین نحو نظری واضح به تمام جنس نبات نموده و حکم به وحدت و اتحاد آن‌ها می‌نمود و این یگانگی را بر حسب توافق با یکدیگر و هم‌رنگی و تناسب هرکدام از تغذیه و رشد و نما و وضع کار آن‌ها می‌دید (ابن طفیل، ۱۳۱۹: ۹۲).

ب) از درونمایه‌های دیگر داستان پی‌بردن به وجود واجب الوجود است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد او دائماً در حال تجزیه و تحلیل اشیاء و رخدادهای پیرامون خویش است. همین بررسی‌ها او را به این نتیجه می‌رساند که این عالم به خودی خود به وجود نیامده و فاعلی دارد که قابل مشاهده نبوده و وابسته به غیر نمی‌باشد. «فهمید هر حادثی محتاج به محدث است و هستی و بود هر موجودی بسته به ذات آفریدگار واجب الوجود است» (ابن طفیل، ۱۳۱۹: ۱۰۰) و به این ترتیب به وجود خداوند پی‌برد.

ج) اثبات وجود روح در جسم از دیگر درونمایه‌های داستان است؛ با مرگ آهو حقایقی بر ابن یقظان آشکار می‌شود و می‌فهمد که آدمی منحصر به این جسم خاکی نیست بلکه نیرویی از درون، او را به حرکت در می‌آورد که روح نام دارد و عامل بقای او می‌باشد.

د) از دیگر درونمایه‌های دیگر این است که آن‌چه از طریق وحی به آدمی منتقل می‌شود با آنچه که از طریق عقل به دست می‌آید برابر، و حتی پایین‌تر از آن است تا

جایی که ابسال مقام خویش را پایین‌تر از حی بن یقظان می‌بیند. این امر بعدها با مواجهه حی بن یقظان با انسان‌های دیگر که همه در حیات مادی غرق شده‌اند محسوس‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا ابن یقظان زمانی که توسط ابسال از وجود حیات انسانی در جزیره دیگر آگاهی می‌یابد مشتاقانه به سوی مردم می‌شتابد تا آموزه‌های خود را به ایشان منتقل کند؛ اما آنان پذیرای سخنان حق نیستند و آن را در تعارض با منافع خود می‌دانند. به همین دلیل او چاره‌ای جز دوری از آن‌ها نمی‌بیند.

این‌طور به نظر می‌رسد که نوعی تناقض در داستان وجود دارد. اگر معارف عقلانی از معارف وحیانی والاتر است پس ابسال که نماد یک انسان با ایمان و تربیت شده از طریق آموزه‌های دینی است، چگونه به مراتب روحانیت دست یافته است. *ابن طفیل* عنوان کرد که ابسال مرتبه خود را پایین‌تر از حی بن یقظان می‌بیند اما با اندکی درنگ درمی‌یابیم که ابسال در میان عده‌ای منفعت طلب و مادی‌گرا زیسته؛ با این حال ذره‌ای از نگرش دنیاپرستانه آن‌ها در او تأثیر نگذاشته و از شیفتگی به دنیا فاصله گرفته است. پس اراده گناه و عدم پذیرش حق را داشته اما به آن تن نداده است در حالی که حی بن یقظان نمی‌داند که می‌توان از حق تعدی کرد، و آن را نپذیرفت و وسوسه‌ها و مقاومت‌های خارجی بر او عارض نشده است. به همین دلیل نمی‌توان رتبه یکی را بر دیگری مقدم کرد زیرا این دو در محیطی متفاوت و در شرایطی مختلف به عالم معنی گرویده‌اند. اما با این حال تقریباً همه نویسندگانی که در مورد داستان *ابن طفیل* به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند به این هدف او یعنی برتری ایمانی از طریق عقل اعتقاد دارند. *یوحنا قمیر* در کتاب «فلاسفة العرب» به این مضمون داستان که همان حصول سعادت دو دنیا بدون احتیاج به پیامبر است اشاره می‌کند (نک: قمیر، ۱۹۶۸: ۱۰۰).

ه) کمال‌گرایی انسان و سعی در پیشرفت و میل به بقا و تلاش برای آن از دیگر درونمایه‌های داستان است. حی بن یقظان با الهام از طبیعت و زندگی حیوانات، خانه و کاشانه‌ای فراهم می‌آورد و از زندگی بیابانی فاصله می‌گیرد. در این بخش تمثیلی از قوانین حاکم میان انسان‌ها نمایان می‌شود که همان میل به پیشرفت و تکامل است؛ انسان آسایش و رفاه را درک می‌کند و زیبایی را می‌فهمد؛ در واقع تسلیم شرایط و محدودیت امکانات نمی‌شود بلکه خود، آن را پدید می‌آورد. ابن یقظان چون به سن

۲۱ سالگی رسید، پوست حیوانات را به تن می‌کرد و از الیاف گیاهان و خارهای نوک‌تیز و سنگ‌های نوک‌دار به ساخت وسایل می‌پرداخت. او با نگرستن به کندوی زنبور عسل و آشیانه پرندگان خانه‌ای برای خود ساخت و پا به دنیای مدنیت نهاد.

درونمایه رابینسون کروزوئه

الف) درونمایه رمان «رابینسون کروزوئه» بی‌پروایی و جسارت بیش از حد آدمی است که در نهایت، او را در وادی هلاکت غوطه‌ور می‌سازد. داستان در واقع، به نفس‌سیری ناپذیر آدمی اشاره دارد؛ زیرا او بارها در سفرهای دریایی خویش گرفتار طوفان و حوادث خطرناک می‌شود اما هم‌چنان میل به سفر و خطرکردن در او می‌جوشد؛ او در نخستین سفر دریایی‌اش با طوفان‌های مهیب دست و پنجه نرم می‌کند اما با این وجود به تدارک دومین و سومین سفر دریایی خویش می‌پردازد، و تجارت و کشاورزی هم نمی‌تواند او را از مخاطره منصرف کند. خود در این باره می‌گوید: «من عجول بودم و به جای خرد، کورکورانه از توهم پیروی می‌کردم» (دفو، ۱۳۷۴: ۷۱). در واقع نفس و عقل رابینسون در طول زندگی او دائماً در جدال هستند؛ نفس در گوش او سرکشی و رهسپارشدن به سوی نامعلوم را نجوا می‌کند و عقل با نشان دادن نتایج زیاده‌خواهی و غوطه‌ورشدن در توهم بر گوش او سیلی می‌زند. خانم حمود معتقد است دفو از خلق این اثر هدفی تعلیمی و تربیتی داشته و تلاش می‌کند جوانانی که رؤیای سفرهای حادثه‌ای و پرماجرا را در سر می‌پروراندند نصیحت کند و آنان را از این کار بازدارد (حمود، ۲۰۰۰: ۲۱).

ب) درونمایه دیگر داستان «رابینسون کروزوئه» اشاره به ضعف مذهبی مردم در روزگار نویسنده دارد. او می‌کوشد تا پیروی از دین و مذهب را دستاویزی برای نجات از سختی‌ها معرفی کند و تأثیر آن را بر آرامش روح بیان نماید. با این وجود رابینسون کروزوئه در خانواده‌ای متوسط و اخلاق‌گرا متولد می‌شود و با وجود سرکشی‌هایش، فردی گمراه و غیر مذهبی نیست؛ فقط آن را انکار می‌کند. در واقع فطرت الهی، او را به یاد خداوند می‌خواند.

او در میان وسایل خود انجیلی را می‌یابد که قبلاً نسبت به خواندن آن علاقه‌ای نداشته است. به طور ناگهانی صفحه‌ای از آن را می‌گشاید که در آن نوشته شده: در روز

سختی مرا بخوان، و من رهایی خواهم داد و تو مرا ستایش خواهی نمود. از آن پس هر روز و هر شب به خواندن انجیل می پردازد و به درگاه خداوند توبه می کند. تمایل مذهبی رابینسون و توجه به فال نیک و بد در روند داستان و نیز باور به قدرت خداوند در نجات وی از مشکلات، پیروی تنگاتنگی از الگوی سنتی زندگی در قرن هفدهم می باشد (نک: ساذرلند، ۱۳۷۲: ۴۳-۴۴).

کروزوئه آنقدر در دین پیشرفت کرده و آنقدر اعتقاد به خداوند در دل او ریشه دوانده که سعی در اشاعه آن دارد. پذیرفتن دین مسیحیت از سوی جمعه نشان از شخصیت قوی و تأثیرگذار رابینسون دارد؛ زیرا جمعه پیش از این در زندگی با وحشیان خدای دیگری را می پرستید و حالا با ظهور تأثیرات دین در شخصیت کروزوئه شیفته او شده است.

ج) تلاش برای بقا و ایستادگی در مقابل ناملایمت‌ها از دیگر درونمایه‌های داستان است. رابینسون تسلیم نمی شود و دائماً شرایط را به سود خود تغییر می دهد، و خود را با محیط وفق می دهد و از همان ابتدای ورود به جزیره تلاش می کند تا محیطی امن برای خود به وجود آورد که در این خصوص می توان به نمونه زیر اشاره کرد:

در هر حال منتهای سعی ام را به کار بردم و خودم را با صندوق‌ها و الوارهایی که به ساحل آورده بودم محصور نمودم، و برای تدارک مکانی برای خواب در آن شب نوعی پناهگاه دست و پا کردم. هنوز نمی دانستم از چه راهی باید غذای خود را تأمین نمایم، اما در جایی که قبلاً پرنده‌ای را شکار کردم، دیدم دو یا سه موجود که شبیه خرگوش بودند از جنگل بیرون دویدند. اکنون به تدریج به این موضوع فکر می کردم که باید چیزهای بسیار دیگری نیز که ممکن بود برایم مفید باشند را از کشتی خارج نمایم، به خصوص تعدادی طناب و بادبان و چیزهای دیگری مانند این‌ها که می شد به خشکی منتقل کرد (دفو، ۱۳۷۴: ۹۳).

د) اشاره به تملک و به بردگی کشیدن انسان‌ها، ستم و تجاوز به حقوق افراد ضعیف، قتل و غارت و چپاول فقیران توسط قدرتمندان درونمایه دیگر داستان است که در داستان به آن اشاره می شود.

یکی از این موارد، به خدمت گرفتن جمعه می باشد. رابینسون وقتی پدر جمعه و مرد اسپانیایی را از دست وحشیان نجات می دهد احساس خود را اینگونه توصیف می کند:

اکنون جزیره ام مسکونی شده بود و خودم را از لحاظ داشتن اشخاص زیر دست غنی تصور می نمودم، و این تفکر که چقدر شبیه یک پادشاه شده بودم و اغلب نیز به ذهنم خطور می کرد برایم بسیار خوشحال کننده بود. اول از همه، سرتاسر آن سرزمین فقط به من تعلق داشت، به طوری که من حقی بی چون و چرا در تسلط بر آن داشتم، ثانیاً افرادم کاملاً مطیع بودند. من ارباب و فرمانروایی مطلق بودم همه آنها زندگی شان را مدیون من بودند و آماده بودند اگر موقعیتی پیش می آمد جان شان را برایم فدا کنند (دفو، ۱۳۷۴: ۴۳۵).

این قسمت از گفته های رابینسون قدرت طلبی و زیاده خواهی او را به تصویر می کشد.

پی رنگ

"پی رنگ" شبکه استدلالی حوادث در داستان است که چون و چرایی رویدادها را در آن به طور منطقی تنظیم می نماید، و علاوه بر ترتیب و توالی حوادث مجموعه ای سازمان یافته از وقایع است که با تکیه بر روابط علت و معلولی به نقل حوادث می پردازد. پی رنگ چپستی وقوع حوادث را نشان می دهد (نک: میرصادقی و میمنت ۱۳۷۷: ۵۲-۵۳).

پی رنگ، به پنج نوع کنشی، ترحم برانگیز، قهرمانی، کیفری و احساساتی تقسیم می شود نوع دیگری از تقسیم بندی در پی رنگ نیز وجود دارد که بر اساس آن به دو نوع پی رنگ باز و بسته تقسیم می شود. در پی رنگ باز معمولاً گره گشایی وجود ندارد اما در پی رنگ بسته دارای گره گشایی و نتیجه گیری قطعی است و بر خلاف پی رنگ باز، نظم ساختگی حوادث بر نظم طبیعی آن غلبه دارد (نک: مدرسی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴).

با بررسی داستان حی بن یقظان متوجه می شویم پی رنگ آن در تقسیم بندی اول از نوع پی رنگ کنشی است. در این پی رنگ، بیش تر از آنکه به احساسات و افکار شخصیت ها توجه شود به حوادث و رویدادها توجه می شود. *ابن طفیل* بیش از آنکه حالات احساسی

و روانی قهرمان داستان را توضیح دهد، رویدادهایی که در جزیره به وقوع می‌پیوندد و حی بن یقظان را به تفکر وا می‌دارد را شرح می‌دهد. مثلاً هنگامی که ابن یقظان می‌خواهد به وحدت انسان پی ببرد، نویسنده این‌گونه به شرح ماجرا می‌پردازد:

ابن یقظان دانست که روح حیوانی یگانه است و در سایر اعضاء جریان داشته، تولید زندگانی می‌نماید، تا روزگار آن‌ها به اینجا رسیده که همگی مانند آلات و ادواتی برای او شده و روح به وسیله آن‌ها هر کاری را انجام می‌دهد. او در اینجا یقین نمود که با وجود اختلاف، اعضاء هستی و ذات او یکی است اگرچه اختلاف اندام و تعدد افعال و تفاوت صور و اوضاع را دارا خواهد بود (ابن طفیل، ۱۳۱۹: ۸۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، یافته‌های حی بن یقظان و چگونگی استنتاج وی از این یافته‌ها، مورد توجه *ابن طفیل* بوده و این روند، در تمام داستان مشهود است. در تقسیم‌بندی دوم، نوع پی‌رنگ داستان مذکور، بسته می‌باشد. در داستان شاهد بودیم که هفت مرحله زمانی در نظر گرفته شده که به ترتیب این مراحل توسط ابن یقظان طی می‌شود عبارت است از: ۱. پیدایش ابن یقظان و سرپرستی او توسط آهو ۲. کشف معرفت از طریق تجربه و حواس ۳. استنتاج روح حیوانی که با کشف آغاز می‌شود ۴. کشف وحدت روح و ماده و صورت ۵. نگرش در ستارگان و اجسام فلکی ۶. استنتاج عقلی (این مرحله مربوط به اثبات بقای نفس انسانی است) ۷. راه سعادت (ابن یقظان در این مرحله می‌یابد که سعادت او در دوام مشاهده واجب الوجود است) (عرب، خسروی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

در هر مرحله حادثه‌ای متناسب با رشد ادراکی وی رخ می‌دهد لذا از نوعی نظم ساختگی برخوردار است، و در پایان نیز جای هیچ ابهام و پیچیدگی باقی نمی‌ماند و به مدد استدلال نویسنده، هدف نهایی وی که همان اثبات توانایی عقل در کشف حقایق علمی است آشکار می‌شود.

قهرمان داستان با بررسی لاشه حیوانات دیگر از شناخت جزئی به شناختی مترقی و پیچیده‌تر دست می‌یابد. کشف آتش، انتقال از بیابان‌گردی به مدنیته ساده، تحقیق در مورد گیاهان، حیوانات، سنگ‌ها، خاک، بخار، برف و باران و دیگر پدیده‌ها، بررسی خواص

آب و گرمی و سردی آن، از دیگر مصادیق ادراک حی بن یقظان است. در داستان دفو پی‌رنگ از نوع قهرمانی می‌باشد. در این نوع پی‌رنگ، شخصیت اصلی داستان با مشکلات بسیاری مواجه می‌شود و می‌کوشد تا بر آن غلبه کرده و اوضاع را بهبود بخشد (مدرسی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). این نوع پی‌رنگ در حوادث همه سال‌هایی که رابینسون در جزیره به سر می‌برد مشهود است و اقدامات وی در رهایی از مشکلات و دفاع از خود بیانگر این موضوع می‌باشد. پی‌رنگ داستان نیز همانند داستان *ابن طفیل* از نوع بسته می‌باشد. البته با توجه به این که رمان «رابینسون کروزوئه» یک رمان حادثه‌ای است، ساختمان پی‌رنگ آن به گونه‌ای است که هراس و ترس و هیجان را برای خواننده به ارمغان می‌آورد. از مهم‌ترین نمونه‌ها در این مورد، داستان غرق شدن کروزوئه و دوستانش می‌باشد:

پس از اینکه طبق محاسبه خودمان حدود یک و نیم فرسخ پارو زدیم یا در واقع کشیده شدیم، موجی خروشان و کوه‌پیکر چرخش‌کنان از پشت به طرف ما آمد و به وضوح سبب گشت که انتظار ضربه‌ای تمام‌کننده را داشته‌باشیم. خلاصه اینکه آن موج با چنان غضبی به ما برخورد کرد که بلافاصله قایق را واژگون ساخت و ما را از قایق و هم‌چنین از یکدیگر جدا نمود و حتی این فرصت را به ما نداد که فقط بگوییم "ای خدا!" زیرا همه ما در یک لحظه به کام دریا کشیده شدیم (دفو، ۱۳۷۴: ۷۷).

دفو این صحنه را چنان تعریف می‌کند که ترس وجود خواننده را در بر می‌گیرد و باور می‌کند که شخصیت اصلی داستان در دریا غرق شده است.

شخصیت

شخصیت به دو گونه ایستا و پویا تقسیم می‌شود که شخصیت ایستا تغییرپذیر نیست و یا تغییر آن اندک است، و حوادث داستان تأثیر چندانی بر او نمی‌گذارد. اما شخصیت پویا مدام در حال تغییر و تحول است و در طول داستان جنبه‌ای از عقاید و جهان‌بینی او یا خصوصیت شخصیتی‌اش تغییر می‌کند (نک: میرصادقی و میمنت، ۱۳۷۷: ۱۷۶).

در داستان «حی بن یقظان» شخصیت از نوع پویا است زیرا دائماً در حال تغییر است

و با گذشت زمان خصوصیت شخصیتی او دگرگون می‌شود؛ ناگفته نماند که حی بن یقظان نوعی شخصیتی تمثیلی است. او نماد ادراک عقلانی می‌باشد؛ نماد کسی که معرفت و شناخت خویش را از راه عقل به دست آورده و از طریق کس دیگری آموزش ندیده است. کاربرد چنین شخصیت‌هایی به نویسندگان این فرصت را می‌دهد تا آنچه در ذهن خویش می‌پروراند اعم از مقاصد اجتماعی، اخلاقی و فلسفی را در قالبی تخیلی ارائه دهد. ابن یقظان ویژگی‌هایی دارد؛ وی انسانی زیرک، فهیم، خلاق، کمال‌گرا و خداجو است و دارای فطرتی پاک که ناپاکی را به آن راهی نیست. او پشتکار فراوانی دارد و تسلیم شرایط سخت نمی‌شود؛ دائماً حوادث خارق العاده‌ای را رقم می‌زند و بر یافته‌های خود اطمینان دارد.

از شخصیت‌های دیگر داستان، ابدال است که او نیز با ایمان و بااراده است. وی فردی انعطاف‌پذیر و طالب حق و حقیقت است که دست از دنیا و مظاهر آن شسته و به معنویت گرویده است. سلامان که دوست ابدال است نماد انسانی اجتماعی است که در زندگی مادی غرق شده است. او نیز مانند دوست‌اش ابدال با ایمان است اما ایمان او ظاهری و سطحی است و آن دسته از احکام دینی که با منافع‌اش ناسازگار باشد را انکار می‌کند.

ابن طفیل در ابتدای داستان به صورت گذرا اشاره‌ای به پدر، مادر و دایی حی بن یقظان دارد؛ اما به توصیف آن‌ها نپرداخته است و جزء شخصیت‌های فرعی به شمار می‌روند که نقش پررنگی در اصل داستان ندارند.

در داستان دفو شخصیت رابینسون کروزوئه شخصیتی ایستا است؛ اگرچه در طول داستان شاهد تغییراتی در نوع نگاه وی به مذهب هستیم؛ اما در جنبه‌های دیگر وی تغییر چندانی مشاهده نمی‌کنیم و تا پایان داستان وی شخصیتی ماجراجو، قدرت‌طلب و مادی‌گرا است تا جایی که پس از بازگشت هم دست از تجارت، گشت و گذار و سفرهای دریایی برنمی‌دارد.

از سوی دیگر وی شخصیتی همه‌جانبه دارد که این نوع شخصیت‌ها از سوی نویسنده با جزئیات بیش‌تر و جامع‌تری معرفی می‌گردند (میرصادقی، ۱۳۶۴: ۲۱۱). رابینسون اینگونه معرفی می‌گردد: فردی ماجراجو، محافظه‌کار، سرکش، لجوج، انسانی اهل عمل،

بازکاوت، عاقبت‌اندیش، صبور و بی‌پروا، نوع‌دوست و بخشنده. او گاهی به محیط پیرامون خود مسلط است و گاه تحت تسلط آن قرار می‌گیرد و با وجود هوش سرشارش گاه دچار شکست می‌شود. دُفو شخصیت رابینسون را کاملاً روانکاوی می‌کند و از خلال رویدادها و چگونگی مواجهه او با حوادث زوایای مبهم و تاریک وجود او را ارزیابی می‌نماید و ذهنیت و عقاید خود را برای خواننده به تصویر می‌کشد. از دیگر شخصیت‌های داستان، جمعه است که رابینسون را از انزوای چند ساله‌اش بیرون می‌کشد؛ رابینسون نیز بر فکر و حتی باور مذهبی این شخص استیلا می‌یابد. او غلامی باوفا، مقلد و دنباله‌رو، دارای قدرت جسمانی بالا، پذیرنده حق، و صادق است.

زاویه دید

زاویه دید در داستان «حی بن یقظان» از نوع دانای کل می‌باشد. در این نوع از زاویه دید داستان توسط نویسنده نقل می‌شود و او بر همه چیز داناست و می‌تواند به هر جا که می‌خواهد سرک بکشد، و رویدادها و شخصیت‌ها را ببیند و به آنچه در ذهن شخصیت تداعی می‌شود آگاهی یابد و از نیت‌ها و تصمیمات وی مطلع شود (نک: مدرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

قصه دُفو زاویه دیدی از نوع اول شخص دارد. «در این شیوه از زاویه دید، اول شخص مفرد- نویسنده- در قالب یکی از شخصیت‌ها فرو می‌رود و از دید خواننده ناپدید می‌گردد، و داستان به اینگونه روایت می‌شود» (همان: ۲۳۹).

صحنه (زمان و مکان)

صحنه در داستان، موقعیت زمانی و مکانی می‌باشد که عمل داستان در آن روی می‌دهد. هر نویسنده وظیفه دارد به منظور باورپذیر شدن داستان‌اش، مکان و زمان آن را واقعی و حقیقی به تصویر بکشد (نک: میرصادقی، ۱۳۶۴: ۲۹۳-۲۹۵).

آنچه در مورد زمان در رساله «حی بن یقظان» مشهود است بی حد و حصر بودن آن است؛ زمانی که مقید نیست و با حادثه همراه است و تا زمانی که ابن یقظان به کشف و شهود خود می‌پردازد ادامه دارد. صفوت عبد الله خطیب معتقد است: «ارتباط زمان در

داستان حی بن یقظان با هدف نویسنده و قرارداد آن به عنوان معیاری برای مراحل مختلف تحقق هدف، همان راز موفقیت *ابن طفیل* در تسلط بر زمان است» (عبدالله خطیب، ۲۰۰۷: ۷۱).

در داستان دفو زمان سرنوشت‌ساز است؛ زیرا این داستان ماجراجویانه، محلی را برای از دست دادن فرصت به شخصیت‌هایش نمی‌دهد. رابینسون بارها به موضوع زمان اشاره می‌کند و با وجود امکانات محدود از همان روزهای اول تقویمی می‌سازد تا حساب روز و شب‌هایش را از دست‌نهد. رویدادها بیش‌تر در روز اتفاق می‌افتند و فاصله زمانی رویدادها با یک‌دیگر زیاد است. ماجرا طی ۳۵ سال به وقوع می‌پیوندد.

از جنبه مکانی نیز عمده‌ترین رخدادها روایت *ابن طفیل* در جزیره‌ای واقع در هند به نام وقواق به وقوع می‌پیوندد که در مورد آن اقوال خرافی بسیاری وجود دارد. گفته می‌شود در آن درختی است که میوه‌هایش زنان هستند و انسان در آنجا بدون پدر و مادر متولد می‌شود (نک: عبدالله الخطیب، ۲۰۰۷: ۲۸). علاوه بر آن دو جزیره دیگر نیز در این داستان وجود دارد: ۱. جزیره‌ای که حی بن یقظان در آن متولد می‌شود. ۲. جزیره‌ای که سلامان و ابسال در آن می‌زیستند. این دو جزیره از مکان‌های فرعی داستان به شمار می‌آیند که نقش چندانی در جهت‌دهی به حوادث ندارند.

شایان ذکر است که مکان نقش اساسی و محوری در روند این داستان ایفا می‌کند؛ زیرا مکان باید بستر مناسبی را برای وصف عقاید فلسفی نویسنده فراهم آورد و همه چیز در آن پنهان باشد تا قوای عقل قهرمان را برانگیزاند. عنصر مکان در داستان رابینسون کروزوئه نقش بسزایی دارد؛ زیرا شرایط جزیره به گونه‌ای است که رویدادها را با توجه به قابلیت‌ها و امکانات موجود سازماندهی می‌کند. از مهم‌ترین مکان‌هایی که رویدادها در آن به وقوع می‌پیوندد جزیره و اطراف آن می‌باشد که از آبادانی نسبی برخوردار است و شرایط آن به گونه‌ای است که قهرمان داستان سال‌های بسیاری در آنجا زندگی می‌کند.

پایان‌بندی

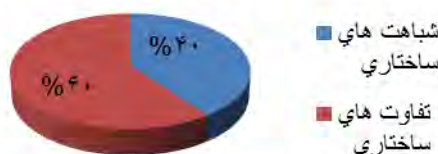
از نظر پایان‌بندی نیز در هر دو داستان سرنوشت هر کس مشخص می‌شود و هیچ نکته مبهمی باقی نمی‌ماند. در داستان حی بن یقظان، شخصیت اصلی داستان پس از

آنکه از هدایت شدن مردم ناامید می‌شود به جزیره بازگشته و به عبادت و بندگی خدا می‌پردازد و در نهایت از دنیا می‌رود. این نوع پایان جای هیچ‌گونه ابهامی را برای خواننده باقی نمی‌گذارد.

داستان رابینسون کروزوئه نیز پایانی بسته دارد و همه رخدادهای آن به سرانجام می‌رسد. بدین صورت که قهرمان داستان، پس از بازگشت از جزیره یک زندگی عادی را در پیش گرفته، تشکیل خانواده می‌دهد و تا پایان عمر به تجارت و کشاورزی می‌پردازد. با توجه به بررسی‌های انجام شده دریافتیم تأثیرپذیری دفو از داستان *ابن طفیل* جزئی و بیش‌تر در زمینه ساختاری می‌باشد. در زمینه محتوایی نقاط مشترک میان داستان‌ها اندک است، که از آن جمله می‌توان به تلاش هر دو قهرمان برای بقا و پرداختن نویسندگان به ضعف مذهبی مردم اشاره کرد. این امر یکی از درونمایه‌های این دو داستان است و در درونمایه‌های دیگری که در این دو اثر برشمردیم نقطه اشتراک چندانی پیدا نکردیم. از حیث ساختار نیز شباهت‌های ساختاری، محدود به این موارد می‌باشد: بسته بودن پی‌رنگ (در تقسیم بندی نوع دوم)، ظهور شخصیت‌هایی که تحت آموزش قهرمانان قرار می‌گیرند، مکان اصلی وقوع حوادث و پایان‌بندی. در بقیه موارد از جمله پی‌رنگ (در تقسیم‌بندی نوع اول)، نوع شخصیت‌های اصلی و خصوصیات اخلاقی آنان، تعدد شخصیت، زاویه دید، زمان و تعدد مکان تفاوت وجود دارد. نمودارهای زیر مبین چنین تفاوت‌ها و شباهت‌هایی است:



نمودار ۲



از آنچه گفته شد اینگونه به نظر می‌رسد که دفو داستان دریانورد جوان را شنیده و بعد از آشنایی که با رساله *ابن طفیل* داشته، با آمیزش این دو به خلق اثر خویش پرداخته است. در واقع هدف وی بیان آنچه *ابن طفیل* نقل کرده نیست، بلکه هدف اصلی او روایت داستانی حادثه‌ای و هیجان‌انگیز است که ریشه در واقعیت دارد. شاید همین مسأله، کوربن را وادار به اظهار نظری این چنین می‌کند: «چندان درست نیست که داستان حی بن یقظان را دقیقاً قصه‌ای به سبک رابینسون کروزوئه بدانیم. در این داستان، هر واقعه خارجی بایستی در مرتبه معنوی آن درک شود» (کوربن، ۱۳۷۳: ۳۴۱). دکتر زرین کوب از نوعی جریان نامرئی میان محیط نویسنده انگلیسی و قلمرو نفوذ اثر نویسنده اسلامی سخن می‌گوید و علت وجود چنین جریانی را شباهت‌های قابل ملاحظه میان دو اثر برمی‌شمارد (نک: زرین کوب، ۱۳۶۸: ۳۴۹).

نتیجه بحث

«حی بن یقظان» داستانی تمثیلی عرفانی با موضوع فلسفی است؛ در حالی که داستان «رابینسون کروزوئه» داستانی است ماجراجویانه با موضوع بهره‌کشی از نیروی انسانی که قصد دارد جامعه استعمارزده انگلیس و اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی آن را به تصویر بکشد.

درونمایه داستان «حی بن یقظان» اصالت عقل بشری، اثبات وجود واجب الوجود، اثبات وجود روح، ترجیح معارف عقلانی بر معارف وحیانی می‌باشد در حالی که درونمایه

داستان کروزوئه سرکشی و عصیانگری جوانی انگلیسی، تلاش برای بقا و استقامت در مقابل مشکلات، استعمارگری و تسخیر نیروهای انسانی و طبیعی می‌باشد. از درونمایه‌های مشترک این دو اثر کمال‌گرایی هر دو قهرمان و اشاره به ضعف مذهبی مردم روزگار خود است که در «حی بن یقظان» هنگام مواجهه او با مردم جزیره مقابل نمود پیدا می‌کند، و در رمان «رابینسون کروزوئه» از ابتدای زندگی تا گرفتارشدن در جزیره و مطالعه اتفاقی کتاب انجیل از سوی او مشهود است.

شخصیت «حی بن یقظان» شخصیتی تمثیلی و پویا است که محیط اطراف وی در تکوین و تکامل روحی و شخصیتی وی تأثیر بسزایی دارد، در حالی که شخصیت رابینسون کروزوئه از نوع شخصیت ایستا است و تغییرات چندانی در خلیات و ذهنیت او درباره محیط اطراف مشاهده نمی‌کنیم.

هر دو شخصیت توانایی سازگاری با محیط را دارند و تسلیم‌نااملا می‌شوند. هر دوی ایشان حضور خداوند را درک می‌کنند؛ مسبب‌الأسباب را می‌شناسند و به اراده او در به وقوع پیوستن حوادث اعتقاد دارند. هر دو شخصیت با ورود یک انسان به جزیره از تنهایی و انزوای چندین ساله خود رهایی می‌یابند. در هر دو داستان شخصیت اصلی به تعلیم و آموزش فرد تازه‌وارد می‌پردازد. هر دو برای رسیدن به زندگی آسوده‌تر تلاش می‌کنند. ایشان به ساخت پناهگاهی برای خود می‌پردازند و خود را با لباس و پوشش می‌آرایند و برای تهیه غذا از حیوانات بهره می‌برند. هر دو شخصیت برای دفاع از جان خود به روش‌های گوناگون خویشتن را به وسایلی تجهیز می‌کنند. رابینسون خانه خود را در جایی به دور از چشم آدمخواران می‌سازد، و حی بن یقظان از شاخ حیوانات مرده و شاخه درختان برای مقابله با حیوانات وحشی بهره می‌جوید.

شخصیت جمعه در داستان دفو یک وحشی از قبیله آدمخوارها است که با رابینسون مواجه می‌شود. او پیش از این چیزی از دین نمی‌دانسته و با آموزش‌های رابینسون به آگاهی می‌رسد و دین خود را تغییر می‌دهد. اما در داستان *ابن طفیل*، ابدال فردی باایمان و تقوایسته است و آنچه که حی بن یقظان به او می‌آموزد فقط برای تکمیل دانسته‌هایش است نه تغییر آن.

با بررسی زاویه دید هر دو داستان پی‌بردیم که داستان «حی بن یقظان» زاویه دیدی

از نوع دانای کل دارد در حالی که زاویه دید داستان «رابینسون کروزوئه» از نوع اول شخص است.

در هر دو داستان زمان، نامحدود است و تا هر زمان که رویدادها به وقوع می‌پیوندند داستان ادامه دارد، و نویسندگان خود را مقید به مقطع زمانی محدودی نمی‌کنند اما به دلیل تعدد رویدادها و وقایع در داستان *دفو*، زمان از اهمیت بیش‌تری برخوردار است در حالی که در داستان *ابن طفیل* توجه چندانی به زمان نیست.

هر دو شخصیت (رابینسون و *حی بن یقظان*) از طریق دریا به جزیره منتقل می‌شوند و مکانی که هر دو سال‌ها در آنجا ساکن می‌شوند جزیره‌ای دورافتاده است. در *رمان دفو* شاهد تعدد مکان هستیم در حالی که در *قصه ابن طفیل* تعداد مکان‌ها محدود می‌باشد. هر دو داستان دارای پایانی بسته است و نویسنده جای هیچ ابهامی را برای خواننده باقی نمی‌گذارد.



کتابنامه

- ابن طفیل. ۱۳۱۹ق، پسر طبیعت یا حی بن یقظان. ترجمه ابوالقاسم سحاب تفرشی، چ ۱، تهران: کتابفروشی معرفت.
- پروینی، خلیل. ۱۳۹۱ش، **الأدب المقارن (دراسات نظریة وتطبيقية)**، چ ۱، تهران: سمت.
- حمود، ماجدة. ۲۰۰۰، **مقاربات تطبيقية فی الأدب المقارن**، لا ط، لا مک: اتحاد الکتاب العرب.
- داد، سیما. ۱۳۸۵ش، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**. چ ۱. تهران: مروارید.
- دفو، دانیل. ۱۳۷۴ش، ترجمه مقابله‌ای رابینسون کروزو، ترجمه کوروش فرحبخش و مجید محرابی، چ ۱، تهران: رهنما.
- دفو، دانیل. ۱۳۸۷ش، **رابینسون کروزو**، ترجمه محسن سلیمانی، چ ۱، تهران: افق.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۸ش، **نقش بر آب**، چ ۱، تهران: انتشارات معین.
- ساذر لند، جیمز. ۱۳۷۲ش، **دانیل دفو**، ترجمه حسن کامشاد، چ ۱، تهران: نسل قلم.
- سجادی، ضیاء الدین. ۱۳۷۴ش، **قصه حی بن یقظان و سلامان و ابدال**، چ ۱، تهران: سروش.
- سعد، فاروق. ۱۹۷۴م، **حی بن یقظان**، ط ۱، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- سیدحسینی، رضا. ۱۳۸۵ش، **دائرة المعارف هنر و ادبیات**، چ ۱، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری.
- شمس الدین، عبدالامیر. ۱۹۸۶م، **الفکر التربوی عند ابن طفیل**، ط ۲، بیروت: دار اقرا.
- عبدالله الخطیب، صفوت. ۲۰۰۷م، **الأصول الروائية فی رسالة حی بن یقظان**، ط ۱، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- عرب، عباس و راضیه خسروی. ۱۳۹۱ش، **تطبيق عناصر داستانی بر رساله حی بن یقظان ابن طفیل**، مجله زبان و ادبیات عربی، ش ۷.
- الفاخوری، حنا. ۱۳۷۷ش، **تاریخ فلسفه در جهان اسلامی**، عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فروزانفر، بدیع الزمان. ۱۳۵۱ش، **زنده بیدار (حی بن یقظان)**، چ ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- قمیر، یوحنا. ۱۹۸۶م، **فلسفة العرب**، ط ۲، بیروت: دار المشرق.
- کارلوت، مارلی. ۱۳۶۹، **رابینسون کروزوئه**، ترجمه خسرو شایسته، چ ۴، تهران: انتشارات ارغوان.
- مدکور، ابراهیم. ۱۹۶۸م، **فی الفلسفة الاسلامیة**، ط ۲، مصر: دار المعارف.
- میرصادقی، جمال. ۱۳۶۴م، **عناصر داستان**، چ ۱، تهران: انتشارات شفا.

میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. ۱۳۷۷ش، *واژه نامه هنر داستان نویسی*، چ ۱، تهران: کتاب مهناز.

